

## نقد و بررسی کتاب زبان فارسی دبیرستان بر اساس میزان نقش آن در آموزش زبان فارسی

دکتر مهدی رضائی<sup>۱</sup>

محبوبه وحیدیان<sup>۲</sup>

### چکیده:

نظام آموزشی پیش از دانشگاه که دوره آغازین شکل گیری زبان فرزندان هر ملت است؛ اهمیت فراوانی دارد. از آنجایی که آموزش صحیح و علمی زبان سبب فهم عمیق زبان بومی می شود، در این مقاله سعی می شود به نقد و بررسی کتاب زبان فارسی دبیرستان پرداخته شود. این کتاب دارای بخش های مختلفی است اعم از دستور، نگارش، زبان شناسی و املا. مرتبط ترین بخش آن به زبان، بخش دستور است که به تبیین قواعد زبان فارسی می پردازد. در این مقاله سعی می شود بازنمایانده شود این قسمت از کتاب، چه میزان در معرفی زبان فارسی نقش داشته است. با بررسی های اولیه مشخص می شود بخش دستور آن تا حد فراوانی نسبت به قواعد زبان فارسی فعلی، بیگانه است و دلیل آن نیز اقتباس قوانین زبانشناسی غربی و تحمیل ظالمانه آن بر زبان فارسی است. به همین دلیل تلاش بر آن است با استناد بر یافته های نوین، قوانین ناهمگون موجود در کتاب نشان داده شود. اهمیت این تحقیق، برای متصدیان تدوین کتب درسی بیشتر مشخص است تا بتوانند با بومی سازی بخش دستور، زبان فارسی را به فرزندان این آب و خاک آموزش دهند. در پایان به بررسی راهکارها و ضرورت تقویت دستور زبان بر اساس زبان فارسی معیار پرداخته می شود.

کلیدواژه: آموزش، زبان فارسی، دستور، نظریه ساخت گرای، دبیرستان.

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه:

زبان ابزاری است قدرتمند که به دلیل قدرت نفوذ خود می تواند در اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... تأثیرگذار باشد. برخورداری از چنین نقش سازنده ای نشان دهنده اهمیت و جایگاه زبان در دنیای امروز است. بی شک یکی از مواردی که می تواند به گسترش و توسعه زبان فارسی کمک کند؛ طراحی برنامه های درسی مناسب در آموزش و پرورش است. با توجه به اهمیت این برنامه ریزی ها به نظر می رسد این برنامه ها بتواند در آموزش زبان فارسی تأثیر بسزایی داشته باشد. بنابراین توجه به این مقوله مهم باید سرلوحه برنامه ریزان کتب درسی قرار بگیرد.

یکی از ویژگی های کتاب های درسی، متمایز بودن از کتاب هایی است که جنبه اطلاعات عمومی دارند. شایسته است که تدوین کتاب های درسی بر اساس هدف و اصولی که برنامه ریزان ارشد در آموزش و پرورش مطرح می کنند و همچنین بر اساس پایه، مقطع تحصیلی و آمادگی ذهنی دانش آموزان تدوین شود.

اصولا شیوهی آموزش زبان و مهارت های زبانی بر سه اصل استوار است:

۱- طرح پرسش درباره داده های ذهنی

۲- تجزیه و تحلیل و پردازش درباره داده های ذهنی

۳- نتیجه گیری و استنباط از داده های ذهنی

<sup>۱</sup> - استادیار دانشگاه سلمان فارسی کازرون rezaeimehdi56@gmail.com

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دبیر دبیرستان های لار mah.vahidian@gmail.com

سوالی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود این است که در سیستم آموزش و پرورش ایران و نظام آموزشی تا چه اندازه، کتاب‌های زبان فارسی برای رسیدن به این هدف موفق بوده‌اند؟ و آیا کتاب‌های زبان فارسی دبیرستان بر این اساس طراحی و برنامه‌ریزی شده‌است؟ این سوال و ده‌ها سوال دیگر، سوالاتی است که کارشناسان ارشد آموزش و پرورش و برنامه‌ریزان باید به آن پاسخگو باشند.

البته با توجه به رشد و توسعه ارتباطات و تنوع نیازها، امروزه بیش از پیش به مواد درسی منطبق با نظریه‌های جدید یادگیری نیازمندیم که بتواند مهارت‌های مختلف زبان را آموزش دهد. از آنجاییکه زبان فارسی، زبان شاعران بلندآوازه ایران است و جایگاه ویژه‌ای در جهان دارد؛ آموزش صحیح این زبان می‌تواند در گسترش این زبان نقش به‌سزایی داشته‌باشد.

در ارزیابی شیوه آموزش زبان فارسی نیز ضروری است قدرت تفکر انتزاعی، پرورش ذهن خلاق، معیارهای تعلیم و تربیت و نقش آن در انسجام بخشی به تفکرات دانش‌آموزان در نظر گرفته شود. از آنجاییکه تقویت و به‌کارگیری مهارت‌های زبانی باعث موفقیت در سایر علوم به خصوص علوم انسانی خواهد بود؛ توجه به شیوه تألیف و آموزش این کتاب امری بسیار ضروری به نظر می‌رسد که سهل‌انگاری در این زمینه ممکن است لطمات جبران‌ناپذیری به زبان فارسی وارد نماید.

از مهم‌ترین عیوبی که به درس زبان فارسی وارد است؛ می‌توان به این موارد تقسیم بندی نمود:

- ۱- عدم تفکیک خواندن به عنوان یک پدیده مستقل زبانی از مهارت نوشتن.
- ۲- تألیف بر اساس نظریه علمی ساخت‌گرایی.
- ۳- بی‌توجهی به دستور کهن که دبیران را برای تدریس با مشکلات زیادی روبرو می‌کند.
- ۴- ناقص و ابرتر بودن بسیاری از مطالب درسی که باعث سردرگمی دانش‌آموز می‌شود.
- ۵- تحمیل اجباری قوانین زبان‌شناسی غرب بر پیکره زبان فارسی.
- ۶- مبحث فعل مرکب و بازشناسی آن از افعال ساده
- ۷- مبحث قیدهای نشانه دار و بی‌نشانه
- ۸- تفکیک بخش زبان‌شناسی از بخش دستور

این مقاله کاوشی است در مورد کتاب‌های زبان فارسی دبیرستان که ماحصل تدریس چند ساله این کتاب در دبیرستان هاست. هدف از این پژوهش، بررسی این کتاب‌ها و میزان انطباق و یا عدم انطباق آن با دستور سنتی است. همچنین در این پژوهش جایگاه دستور ساخت‌گرا و مشکلات و دشواری‌هایی که این شیوه برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کند نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

www.Anjomanfarsi.ir

پیشینه تحقیق:

در زمینه نقد و تحلیل کتاب زبان فارسی دبیرستان مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی ارائه شده است که به طور مختصر به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

- ۱- جمع‌آوری، طبقه‌بندی و بررسی مثال‌ها و تمرین‌های دستور زبان‌ها از محمدرضا تقیه
- ۲- طرحی نو در صرف دستور مدرسه از فرشید شهیدی
- ۳- فرهنگ توصیفی دستور در کتب مدرسه از خلیل‌الله صادق‌لو
- ۴- نقد و بررسی مباحث دستوری در کتاب‌های زبان فارسی دبیرستان از سید بهنام علوی مقدم
- ۵- مقاله ناگفته‌هایی از زبان فارسی (۳) از عباس شاکر

نقد و بررسی کتاب زبان فارسی دبیرستان بر اساس میزان نقش آن در آموزش زبان فارسی / ۲۴۵

- ۶- آموزش زبان فارسی بر پایه غیر مستقیم راهبردی زبان از دکتر رضا صحرايي و شراره خالقي
  - ۷- رویکردی نوین به آموزش دستور زبان فارسی از زهرا عباسی
  - ۸- نقد و بررسی برنامه درسی ملی وزارت آموزش و پرورش از منظر آموزش زبان فارسی به عنوان زبان اول و دوم و خارجی از بهنام علوی مقدم
  - ۹- طرح تدوین کتاب آموزش زبان فارسی بر مبنای مثلث TMS از دکتر غلام محمد فقیری
  - ۱۰- نقد و بررسی دستور در کتاب های فارسی از دکتر سید بهنام علوی مقدم
  - ۱۱- بررسی ساختار زبان فارسی در دوره متوسطه از سید بهنام علوی مقدم
  - ۱۲- در کتاب های زبان فارسی چه می گذرد؟ از سید بهنام علوی مقدم
- و بسیاری از مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی که در این زمینه و مرتبط با این موضوع نوشته شده که از حوصله این مقال خارج است.

### تعریف زبان:

در کتب متعدد، تعاریف گوناگونی از زبان ارائه شده است که در اینجا به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود. «زبان را طرح نظام واره یا دستگاه ارتباطی پیچیده با ساختمانی انتزاعی می‌توان فرض کرد که در آن دو تظاهر می‌کند و با نوعی رفتار اجتماعی همراه است؛ نتیجتاً زبان، پدیده پیچیده‌ای است و از آن رو تعریف منطقی آن بسیار دشوار است» (انوری گیوی، ۱۳۷۵: ۲).

دکتر محمدرضا باطنی زبان را از جنبه های مختلف آن بررسی می‌کند و زبان را از نقطه نظر روانشناسان، جامعه شناسان، فیلسوفان، منطقیان و زبانشناسان ارائه می‌دهد و در پایان نتیجه می‌گیرد که هر کدام از این گروه تعاریف متفاوتی را از زبان ارائه داده‌اند و هیچ کدام جامع و کامل نیست. «این طبیعت پیچیده زبان است که اجازه می‌دهد از آن تعاریف‌های مختلفی بدست داده شود. در حقیقت تعریف کاملی که تمام خصوصیات و کاربردهای زبان را دربرگیرد غیرممکن است» (باطنی، ۱۳۹۱: ۴).

دکتر خانلری زبان را اینگونه تعریف می‌کند: «کلی‌ترین تعریف زبان این است که مجموعه‌ای از دلالت‌ها یعنی نشانه‌هاست... مراد از دلالت یا نشانه در اینجا نوع علامتی است که در روابط میان افراد بشر به کار بیاید و چون علامت‌ها انواع مختلف دارد انواع زبان نیز مختلف است» (خانلری، ۱۳۴۷: ۷).

در کتاب‌های زبان فارسی دبیرستان زبان را این چنین تعریف کرده اند: «زبان یک نظام است و کار اصلی آن ایجاد ارتباط است. زبان یکی از توانایی‌های ذهن انسان است» (حق شناس و دیگران، ۱۳۹۰: ۳).

www.Anjomanfarsi.ir

### عیوب دستور زبان‌های موجود:

اکثر دستور زبان‌های موجود فارسی عیوبی دارند که ناشی از توجه کردن به برخی جنبه‌ها و بی‌توجهی به جنبه‌های دیگر است.

دکتر محمدرضا باطنی برخی از عیوب دستور زبان‌های موجود را چنین می‌نویسد: «الف: نداشتن نظریه. ب: مخلوط کردن گونه‌های زبان. ج: تجویزی هستند نه توصیفی. د: تحمیل کردن مقولات بیگانه به زبان فارسی. ج: مخلوط کردن صورت و معنی» (باطنی، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۷).

بسیاری از زبان‌شناسان و دستورنویسان معتقد به سره‌نویسی هستند و به کار بردن لغات بیگانه را جایز نمی‌دانند و معتقدند باید برای بسیاری از اصطلاحات بیگانه معادل فارسی مناسب پیدا کرد؛ هر چند که گاهی مواقع از به کار بردن لغات بیگانه که معادل فارسی ندارند؛ گزیری نیست.

دکتر جعفر شعار در مورد لغات غیر فارسی چنین می‌نویسد: «دستور فارسی پر از قواعد و اصطلاحات عربی شده است از قبیل مفعول مطلق و مفعول‌له و اختصاص و اشتغال. دلایلی را که سره‌نویسان و معتقدان به سره‌نویسی اقامه می‌کنند می‌توان چنین خلاصه کرد: ۱- لغات بیگانه موجب ضعف زبان است. ۲- قبول لغات خارجی مخالف با قومیت و در واقع قبول سلطه اهل زبان قرض‌دهنده است. ۳- سره‌نویسی به رفع دشواری‌های رسم خط فارسی یاری می‌کند» (شعار، ۱۳۵۵: ۲۴۱).

### نقد زبان فارسی دبیرستان:

همانطور که می‌دانیم و کاملاً مشهود است بر طبق نظر نویسندگان محترم کتاب زبان‌های فارسی دبیرستان که در مقدمه ذکر شده است، تألیف این کتاب‌ها بر اساس نظریه علمی ساخت‌گرایی است ولی در عین حال در حد امکان، دستور سنتی نیز مد نظر قرار گرفته است. نکته دیگر اینکه این کتاب‌ها توصیف فارسی نوشتاری امروز است؛ نه فارسی گفتاری، نه عامیانه، نه شعر و نه فارسی روزگار گذشته.

همچنین در مقدمه آمده است که در دستور ساختاری، توصیف بر اساس ساخت و صورت است. البته این کوشش فی‌نفسه نیکوست ولی در دستوری که بر اساس نظریه ساخت‌گرایی است همواره با اشکالاتی روبروست که باعث سردرگمی‌های فراوان در این زمینه می‌شود. اکنون به برخی از این اشکالات پرداخته می‌شود.

### مبحث صرف:

قدما در دستور سنتی اصطلاحاتی نظیر اسم مصدر، مصدر مرخم، اضافه مقلوب، اسم ذات و معنی، صفت شغلی و بسیاری از اصطلاحات دیگر به کار می‌بردند و امروزه هنگامیکه به لغت نامه دهخدا یا فرهنگ معین که جزء فرهنگ‌های عمومی ما هستند مراجعه می‌کنیم با این اصطلاحات مواجه می‌شویم؛ حال اینکه این اصطلاحات در دستور زبان فارسی نوین هیچ جایگاهی ندارند و بسیاری از دانش‌آموزان را با مشکلات فراوانی روبرو کرده است. به عنوان مثال در ادبیات فارسی پایه دوم، بیت سوم سیزدهم که قصیده‌ای از سنایی می‌باشد؛ این چنین آمده است: «نه بر اوج هوا او را عقابی دل‌شکر یابی / نه اندر قعر بحر، او را نهنگی جان‌ستان بینی» در توضیحات آمده است: دل‌شکر: (صفت فاعلی مرکب مرخم) شکارکننده‌ی دل. (داوودی و دیگران ۱۳۸۰: ۱۰۴).

حال با توجه به مطالب گفته شده این سوال برای دانش‌آموز پیش می‌آید که صفت فاعلی مرکب مرخم چیست؟ از چه اجزایی تشکیل شده و طرز ساخت آن چگونه است؟ با توجه به تأکیدی که نویسندگان محترم کتاب زبان فارسی داشته‌اند که هیچ گونه توضیح اضافی در خصوص مطالب درسی به دانش‌آموز گفته نشود؛ ولی آیا می‌شود سوالات دانش‌آموز را بی‌پاسخ گذاشت؟ برای بسیاری از دانش‌آموزان صفت فاعلی مرکب مرخم تازگی دارد و با سوالات پی‌درپی در صدد رسیدن به جواب هستند.

در دستور سنتی، صرف اینکه کلمه‌ای از دو یا سه بخش تشکیل شده باشد آن را «مرکب» می‌نامیدند و آن را در مقابل واژه‌ی «بسیط» قرار می‌دادند. «اسم مرکب یا آمیخته آن است که از دو کلمه یا بیشتر ترکیب شده باشد: کارخانه، باغبان، کاروانسرا، گلشکر، مهمانخانه، بستانسرا (قریب و دیگران، ۱۳۶۶: ۳۲). در دستور زبان فارسی (۳) رشته ادبیات و علوم انسانی واژه مرکب را این چنین نوشته‌اند: «واژه مرکب آن است که از دو تکواژ آزاد یا بیشتر

نقد و بررسی کتاب زبان فارسی دبیرستان بر اساس میزان نقش آن در آموزش زبان فارسی / ۲۴۷

تشکیل شود: چهارراه، یک‌رنگ، دوپهلوی، سه‌گوش، گلاب‌پاش، مدادپاک‌کن» (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۵: ۸۲). در این تعریف منظور از تکواژ آزاد، کلمه‌ای است که معنای مستقل دارد.

دکتر محمدجواد مشکور در مورد کلمات مرکب می‌نویسد: «باید دانست که زبان پارسی زبانی ترکیبی است و این ترکیب گاهی با پساوندها و پیشاوندها حاصل آید و گاهی از ترکیب کلمات پدیدآید» (مشکور، ۱۳۵۵: ۳۰۸). امروزه در درس‌های زبان فارسی، کلمات را به چهار گروه ساده، مشتق، مرکب و مشتق‌مرکب تقسیم کرده‌اند. مثلاً واژه‌ی «باغبان» از نظر دستور سنتی یک واژه‌ی مرکب و از نظر دستور زبان فارسی نوین یک واژه‌ی مشتق است.

در دستور کهن واژه‌ای مشتق است که از بن فعل تشکیل شده باشد. «اسم‌هایی که با بن ماضی یا مضارع فعل ساخته می‌شوند، مشتق می‌نامند. مانند: بینش، پویه، دلداری، رفتار» (انوری گیوی، ۱۳۷۵: ۷۸). ولی امروزه تمام کلماتی که از یک جزء معنی‌دار و یک یا دو وند ساخته شده باشند مشتق نامیده می‌شوند. خواه جزء معنی‌دار در آنها بن فعل باشد یا غیر فعل. در کتاب زبان فارسی (۲) اسم مشتق را چنین تعریف می‌کند: «اسمی که یک جزء آن معنای مستقل ندارد؛ یعنی وند است: گفتار، خوبی، روزه و گرما» (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۴).

در مورد اسم‌های مشتق‌مرکب در دستور زبان فارسی (۲) چنین آمده است: «اسمی که ویژگی‌های مشتق و مرکب را با هم داشته باشد: داد و بیداد، تکاپو، دوچرخه، نی‌لبک، سربازگیری، سه‌گوشه، کشت و کشتار، گفت و گو، پاسداری، سی و سه پل» (همان، ۹۴). در مثال‌های مذکور کلمه‌ای مثل «کشت و کشتار» را اسم‌های مشتق‌مرکب می‌نامند ولی در دستور پنج استاد این کلمات را «حاصل مصدر» نامیده است. «حاصل مصدر از مصدر مخفف یا ماضی ساخته می‌شود به این طریق که به آخر آن صیغه «آر» بیفزایند مانند: گفت و گفتار، رفت و رفتار، دید و دیدار، کرد و کردار و...» (قریب و دیگران، ۱۳۶۶: ۱۱۸).

با این تفصیل، دانش‌آموزان با انبوه کلمات و واژه‌هایی مواجه هستند که در کتاب به نام ساده، مرکب، مشتق و مشتق‌مرکب نامیده می‌شوند ولی در دستور سنتی کهن و فرهنگ لغت‌ها با واژه‌هایی از قبیل اسم مصدر، حاصل مصدر، مصدر مخفف، صفت شغلی و بسیاری از اصطلاحات دیگری روبرو می‌شوند که جواب این سوالات را در کتاب زبان فارسی دبیرستان‌ها نمی‌توان یافت و معلم مجبور است که این واژه‌ها و اصطلاحات را برای فهم هرچه بیشتر دانش‌آموزان موشکافی کند تا جای هیچ پرسش و ابهامی در ذهن آنان ایجاد نگردد و چه زیبا بود که اگر مؤلفان محترم در صدد رفع این اشکالات برمی‌آمدند تا دستور نوین با دستور سنتی بیگانه نباشد و دانش‌آموز و معلم بتوانند در یک راستا و در جهت نیل به یک هدف واحد گام بردارند.

در کتاب زبان فارسی (۲) نشانه‌های جمع را چنین نام می‌برد: «ها-ان-گان-یان-ات-ین-ون-جات» (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۱). و در کتاب زبان فارسی (۳) در کلمه «آشنایان» «ی» و در کلمه «نیاکان» «ک» را به عنوان واج میانجی در نظر گرفته‌اند نه نشانه جمع» (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۳). و این دوگانگی، دانش‌آموز را سردرگم می‌کند. در زبان فارسی (۲) «گان-یان و جات» را به عنوان علامت جمع می‌شناسد و در زبان فارسی (۳) «گ»، «ی» و «ج» را به عنوان صامت میانجی. در حالی است که «گ» در «گان»، «ی» در «یان» و «ج» در «جات» نشانه جمع نیستند و به عنوان میانجی به حساب می‌آیند؛ چون به کلماتی چسبیده‌اند که به مصوت ختم شده‌اند و برای تلفظ بهتر باید یک صامت میانجی بین این دو قسمت بیاید.

البته در دستور پنج استاد چنین آمده است: «کلمه «نیا» که به معنی جد است در جمع، پیش از علامت جمع «ک» افزایش و گویند: نیاکان. چه در اصل این کلمه «نیاک» بوده است و در جمع به اصل خود بازگردد. (قریب و دیگران، ۱۳۶۶: ۳۱).

## مبحث نحو:

در بسیاری از درس‌های کتاب زبان فارسی می‌توان نمونه‌هایی پیدا کرد که با نظریه ساخت‌گرایی منافات دارد و بعضاً دانش‌آموزان را دچار سردرگمی و عدم فهم مطالب می‌کند. مثلاً در درس زبان فارسی (۱) در یک تقسیم‌بندی کلی قیدها را به دو نوع تقسیم می‌کنند: «قیدهای نشانه‌دار و قیدهای بی‌نشانه» (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۹). البته تردیدی نیست که قیدهای نشانه‌دار را با توجه به نشانه‌های لفظی که در جمله وجود دارد می‌توان تشخیص داد، اما نکته قابل بحث اینجاست که قیدهای بی‌نشانه را چگونه در جمله تشخیص دهیم؟ مثلاً در جمله‌ی: «آهسته به راه خود ادامه دادیم». واژه‌ی «آهسته» قید است. اما چگونه قید را تشخیص دادیم؟ آیا با توجه به روابط معنایی کلمات تشخیص دادیم که «آهسته» قید است؟ آیا در ساخت جمله، لفظی بود که ما را به نقش واژه‌ی «آهسته» برساند؟ آیا این را نمی‌توان جزء چالش‌های نظریه ساخت‌گرایی دانست؟

یکی دیگر از نمونه‌ها کاربرد فعل «شد» به معنای «رفت» می‌باشد که در شعر و نثر گذشته کاربرد فعل «شد» به معنای «رفتن» بسیار رواج داشته‌است که با توجه به روابط معنایی بین واژه‌ها می‌توان به معنی این کلمه پی برد. «خرامان بشد سوی آب روان/ چنان چون شده بازجوید روان» (تاکلی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶). یا در بسیاری از موارد حروف اضافه در معنای اصلی خود به کار نمی‌روند و یا نشانه مفعول «را»، همیشه نشانه مفعول نیست و ممکن است در بعضی جملات نشانه حرف اضافه، نشانه قید، فک اضافه و... باشد. «مهر او پلانشینان را کشتی نوح است» (داوودی، ۱۳۸۰: ۱).

حتی گاهی مواقع ارکان جمله در شعر جابه‌جا می‌شود و نظریه ساخت‌گرایی را یارای تجزیه و تحلیل و توصیف چنین قضایای دستوری نیست. بر اینها بیفزایید که شعرا و نویسندگان ما در بسیاری موارد سخن را در غیر معنای حقیقی خود به کار می‌برده‌اند؛ مثلاً مجاز، استعاره، ایهام، کنایه و بسیاری از مثال‌های دیگر که کلام در غیر معنای حقیقی خود به کار می‌رفته و می‌رود و برای پی بردن به معنی کلمات ناچاریم به روابط معنایی واژه‌ها توجه کنیم.

نمونه: «پدر را نباید که داند پسر / که بندد دل و جان به مهر پدر» (تاکلی، ۱۳۸۹: ۱۳).

در درس هجدهم زبان فارسی (۱) نویسندگان محترم آورده‌اند: «در گروه اسمی، هر گاه پس از هسته، کسره بیاید و سپس اسمی دیگر قرار گیرد، اولی را مضاف و دومی را مضاف‌الیه می‌خوانیم؛ مضاف هسته و مضاف‌الیه وابسته است» (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۰). در پاورقی همان صفحه نوشته شده: وقتی ضمیرهای پیوسته مضاف‌الیه واقع می‌شوند، نقش‌نمای اضافه ندارند و راه خاصی هم برای شناخت مضاف‌الیه وجود ندارد. سوال این است که در کتابم (با توجه به پانوش کتاب) که چنین کسره‌ای که نشانه لفظی است وجود ندارد چگونه می‌توان از نظر شکل و صورت و ساختار عبارت و یا جمله به مضاف‌الیه بودن پی برد؟ جز اینکه از طریق معنا می‌توان به مضاف‌الیه بودن (م) پی برد و فهمید که این ضمیر نقش مضاف‌الیه دارد.

آنچنان که در تألیف این کتاب مشهود است مؤلفان محترم بین اسم و گروه اسمی تفاوتی قائل نشده‌اند حال آنکه اسم جز مقولات صرفی است و گروه جز مقولات نحوی. مؤلفان زبان فارسی (۳) در این مورد نوشته‌اند: «در بخش نحو به شیوه‌ی ترکیب انواع کلمات تا سطح گروه یا جمله می‌پردازند» (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۶). پس گروه، مقوله‌ی نحوی است که نباید با مقولات صرفی آمیخته شود و نویسندگان محترم کتاب زبان فارسی باید به این موضوع توجه بیشتری نمایند و این دو مقوله را از هم تفکیک نمایند.

در کتاب زبان فارسی (۲) آمده است: «از مصدرهای شکستن، پختن، ریختن، بریدن، گذاختن، گسستن و... فعل‌هایی ساخته می‌شوند که هم گذرا و هم ناگذر هستند بدون آنکه در ساخت و معنای آنها تغییری ایجاد شود.

مانند: آب ریخت. / گربه آب را ریخت. به این افعال دووجهی می‌گویند» (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۲). توضیح این که مصدرهای دو وجهی وقتی در دو جمله‌ی مختلف به دو شکل متفاوت ناگذر و گذرا به کار می‌روند در معنایشان تغییر ایجاد می‌شود و دو معنای نسبتاً متفاوتی را ایجاد می‌کنند، فقط در ساخت آنها تغییری ایجاد نمی‌شود مانند: غذا پخت. مادر غذا را پخت. این دو جمله از نظر افاده‌ی معنای فعل با هم تفاوت دارند.

در درس بیست و چهارم زبان فارسی (۱) در باب تقسیمات جمله آمده است: جمله‌ها را هم به انواع جمله‌ی ساده، جمله‌ی مرکب، جمله‌ی شرطی، جمله‌ی امری، جمله‌ی خبری و مانند اینها تقسیم می‌کنند. قابل توجه است که جمله‌ی شرطی نوعی از جمله‌ی مرکب است که با پیوند وابسته ساز «اگر» ساخته می‌شود و دکتر مشکوه‌الدینی در کتاب دستور زبان فارسی خود این‌گونه جمله‌ها را «جمله‌های مرکب ناهمپایه می‌نامد» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۴: ۱۱۸).

در کتب رایج دستور زبان فارسی از جمله دستور زبان فارسی از دکتر مشکوه‌الدینی و دستور پنج استاد، و همچنین در کتاب زبان فارسی (۳) دبیرستان جمله‌ها به دو دسته‌ی ساده (بسیط) و مرکب تقسیم شده‌اند. و در کتاب توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی از دکتر محمدرضا باطنی جمله به دو گونه تقسیم شده است: «جملات هسته‌ای و جملات خوشه‌ای» (باطنی، ۱۳۹۱: ۶۰). که هر کدام را به طور مفصل توضیح داده‌اند.

در درس بیست و هفتم زبان فارسی (۱) مولفان محترم، نقش نمای مفعولی را و همچنین حرف اضافه را به ترتیب پس‌واژه و پیش‌واژه نامیدند حال آن که این دو، واژه هستند و هویتی مستقل دارند آنچنان که در درس دوم زبان فارسی (۳) جزء واژه به حساب آمده‌اند و احتمالاً مؤلفان محترم تحت تأثیر فن ترجمه قرار گرفته باشند. «واژه یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند تکواژ ساخته می‌شود و در ساختمان واحد بزرگ‌تر یعنی گروه به کار می‌رود. واژه می‌تواند مفهومی مستقل داشته باشد مثل میز یا مفهومی غیرمستقل داشته باشد مثل: از، در، که، نقش-نمای مفعولی، متممی، اضافی دارند» (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۶).

یکی دیگر از مباحث جنجالی و بحث‌برانگیز زبان فارسی دبیرستان مبحث افعال مرکب و شناختن آن از افعال ساده است. در زبان فارسی (۳) سه راه برای تشخیص افعال مرکب بیان کرده است: «۱- گسترش‌پذیری جزء همراه فعل ۲- نقش‌پذیری جزء همراه فعل ۳- به کار بردن فعل در جمله» (حق‌شناس و دیگران ۱۳۸۵: ۲۸). به این معنی که اگر جزء اول فعل، شامل هر کدام از این سه مورد بشود فعل مرکب نیست و ساده به حساب می‌آید. ولی در دستور زبان فارسی از انوری گیوی فعل مرکب را چنین تعرف کرده است: «فعل مرکب فعلی است که از یک صفت یا اسم با یک فعل ساده ساخته می‌شود و مجموعاً یک معنی را می‌رساند. مانند: لخت کردن، پراکنده ساختن، زمین خوردن» (انوری گیوی، ۱۳۷۳: ۲۹). با توجه به این دو تعریف فعل «پراکنده ساختن» را در یک جمله به کار می‌بریم و با توجه به این دو نظریه بررسی می‌کنیم.

نمونه: باد گندم‌ها را پراکنده ساخت.

اگر این جمله را با توجه به دستور زبان فارسی دبیرستان بررسی کنیم چون قابل گسترش است پس این فعل، ساده است و می‌توان گفت: باد گندم‌ها را پراکنده‌تر ساخت. و «پراکنده» نقش مسند دارد. ولی اگر بر طبق دستور انوری گیوی و یا سایر دستورهای کهن بخواهیم این فعل را بررسی کنیم چون مجموعاً یک معنی را می‌رساند «فعل مرکب» به حساب می‌آید. البته نویسندگانی هم هستند که این افعال را ساده به حساب می‌آورند. «اگر تکواژ آزادی که قبل از فعل ساده آمده است؛ یکی از نقش‌های نحوی جمله (نهاد، مسند، مفعول، قید، متمم و...) را بر عهده داشته باشد؛ مسلماً دیگر جزئی از گروه فعلی به شمار نمی‌آید و نمی‌توان فعل جمله را مرکب دانست» (عمرانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

در مورد افعال مرکب در زبان فارسی (۲) چنین آمده است: «علی از انجام این کار سرباز زد. (سرباز زدن از کاری کنایه از نپذیرفتن است) در این نوع فعل‌ها (کنایی) اجزای فعل (چشم، دست، پا، سر و ...) معنای حقیق خود را از دست داده‌اند. در این صورت با ملاک‌های تشخیص فعل مرکب آن‌ها را می‌توان فعل مرکب دانست» (حق شناس و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۷). ولی در دستور زبان انوری گیوی به این ترکیب‌ها فعل‌های پیشوندی مرکب گفته می‌شود. «فعل پیشوندی گاهی با اسم ترکیب می‌شود و جمعا یک معنی را می‌سازد. مانند: دم در کشیدن، سرباز زدن» (انوری گیوی، ۱۳۷۳: ۲۹).

#### نتیجه:

این انتقادات، بخشی از چالش‌های پیش روی زبان فارسی دبیرستان است و می‌توان موارد زیادی از این دست را در این کتاب‌ها نشان داد. نگارنده معتقد است جامعه‌ی ساخت‌گرایی بر قامت فاخر زبان فارسی ما چندان زینده نیست و با بسیاری از اصول و قواعد دستور زبان سنتی ما تناسب ندارد. گرچه مولفان گرامی - همانطور که در مقدمه کتاب ذکر کرده‌اند - در تألیف کتاب‌های زبان فارسی دبیرستان شعر و نثر روزگار گذشته را به یکسو نهاده‌اند و مرکز ثقل کارشان را توصیف فارسی نوشتاری امروز قرار داده‌اند و بیشترین توجه را به زبان و ادبیات معاصر نموده‌اند، اما به نظر می‌آید این امر سبب گسست نسل دانش‌آموخته امروز با ریشه و پیشینه‌ی ادب کهن خود می‌گردد و نمی‌توان دریچه‌ای به فراخوانی ادب و فرهنگ ایرانی به روی دانش‌آموختگان نسل جدید گشود.

متأسفانه امروزه در دانشگاه‌ها به روشنی می‌توان دریافت دانشجویانی که با این‌گونه کتب زبان فارسی - که مورد بحث ماست - از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده‌اند حتی برای روخوانی شاهکارهای ادبی فرهنگمان مانند شاهنامه، بوستان، گلستان، مثنوی، تاریخ بیهقی و... دچار مشکل هستند چون در مقطع دبیرستان فقط با مثال‌های ساده‌ی نثر امروز سر و کار داشته‌اند.

به طور کلی در تألیف کتب زبان فارسی در دبیرستان، نسبت به دستور سنتی بی‌مهری شده است گرچه دستور سنتی هم دارای فراز و نشیب‌ها و تشتت‌آرای فراوانی بوده است اما کم‌توجهی به دستور کهن باعث سردرگمی بسیاری از معلمان در حوزه تدریس می‌گردد. دانش‌آموزان نیز به خاطر تلفیقی بودن درس زبان فارسی و روش برنامه ریزی برنامه ریزان، در موارد زیادی دچار سردرگمی شده‌اند.

جا دارد با رویکردی تازه و نگرشی نو نسبت به این درس سعی کنند زبان و ادبیات فارسی به جایگاه رفیع خود دست یابد و قواعد دستوری و زبانی مطابق با نیاز جامعه و نیاز مدارس جایگزین این قواعد شود. دانش‌آموزی که دستور نوین می‌خواند، بسیار بیگانه با دستور سنتی است و این بیگانگی را در هنگام تدریس، می‌توان به وضوح مشاهده نمود و چه بجا و خوب بود اگر مؤلفان محترم در صدد رفع این نقیصه برمی‌آمدند و دانش‌آموزان را با دستور سنتی آشتی می‌دادند که وقتی اشعار زیبای کهن چون مولانا و حافظ را می‌خوانند شور و شوق آنان دو چندان شود و با تمام وجود از آن لذت ببرند.

متأسفانه به دلیل عدم درک و بیگانگی با دستور کهن، روز به روز دانش‌آموزان و دانش‌جویان ما از ادبیات کهن که یادگار دیرینه و فاخر گذشتگانمان است؛ فاصله می‌گیرند و این معضلی است که گریبانگیر فرهنگ و ادبیات کشورمان شده و زنگ خطر برای فرهنگ ما نواخته شده که اگر هر چه سریع‌تر این عیوب رفع نگردد شاهد لطمات جبران‌ناپذیری بر پیکره‌ی زبان و ادبیات فارسی هستیم.



### منابع و مأخذ:

- احمدی گیوی، حسن و دیگران. (۱۳۷۳). دستور زبان فارسی (۱)، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات فاطمی.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تاکی، مسعود و دیگران. (۱۳۸۹). ادبیات فارسی (۱)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- حق‌شناس، علی محمد و دیگران. (۱۳۸۹). زبان فارسی (۱)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- حق‌شناس، علی محمد و دیگران. (۱۳۹۰). زبان فارسی (۲)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- حق‌شناس، علی محمد و دیگران. (۱۳۸۵). زبان فارسی (۳)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- داوودی، حسین و دیگران. (۱۳۸۰). ادبیات فارسی (۲)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- شعار، جعفر. (۱۳۵۵). پژوهشی در دستور فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
- عمرانی، غلامرضا و دیگران. (۱۳۸۵). زبان فارسی راهبردهای یاددهی - یادگیری، تهران: انتشارات مبتکران.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران. دستور زبان فارسی پنج استاد، تهران، انتشارات واژه، چ نهم، ۱۳۷۰، ص ۲۲۲ مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۴). دستور زبان فارسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۵۵). دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۴۷). زبان‌شناسی و زبان فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

انجمن علمی زبان ادبی فارسی



نخستین همایش آموزش زبان فارسی

[www. Anjomanfarsi.ir](http://www.Anjomanfarsi.ir)